

تخلفات شهرداری‌ها در کنار بی تفاوتی میراث فرهنگی

کمین نهادهای متولی

برای تخریب آثار باستانی خوزستان

۴

«پیام ما» طرح «خانه ریز» را بررسی کرد

چند سانتی متر خانه



۱۰۰ روز از ناپدید شدن یک لنج صیادی ایرانی در اقیانوس هند گذشته و خانواده‌های ملوانان چشم انتظار عزیزانشان هستند

معمای «شاهین ۲» و بالگردهای آمریکایی

لنج‌های همراه، حملهٔ آمریکایی‌ها به یک کشتی تجاری در مجاورت شاهین ۲ را دیده‌اند و می‌گویند بالگرد آمریکایی سعی در متفرق کردن لنج‌های دیگر داشت



طرح: مجتبی ملازاده، پیام ما

آموزش را از من بگیر بازی را نه!

بررسی کتاب «امپراتوری کودکی؛ جلوه‌هایی از زندگی و اندیشه‌های عبدالحسین وهاب‌زاده» در سلسله نشست‌های عصر سه‌شنبه‌های مجله «بخارا»

۳

برداشت غیرمجاز «سیلیس» در «الوند»

۵

زیبایی یک زوال

نگاهی به نمایشگاه «زیبایی‌شناسی زوال یک کارخانه» در کاشان

۸

«تراستی‌ها»

چگونه خبرساز شدند؟

۶

یادداشت

جامعه‌ای

که شنیده نشود

همراه نمی‌شود

امیرحسین ناطقی

اهم‌بنیان‌گذار پلتفرم کارزار



۱

یادداشت

از بحران «ناریه» و بیکاری

تأصرورت حمایت‌های بی‌شعار

امحسین قراگوزلو

اعضو خانه معدن ایران



۱

جامعه‌ای که شنیده نشود، همراه نمی‌شود

صدای خود را از مسیرهای خشونت‌پرهیز و مدنی به گوش تصمیم‌گیران برساند، به شرط آنکه احساس کند این صدا واقعاً شنیده می‌شود.

هرچه این رابطه با تنش کمتر و گفت‌وگوی بیشتر شکل بگیرد، قدرت اقتناعی آن نیز افزایش پیدا می‌کند. حتی اگر در نهایت یک تصمیم اقتصادی به دلیل ضرورت‌های بودجه‌ای یا شرایط کشور امکان تغییر نداشته باشد، توضیح صادقانه، شنیدن دغدغه‌ها، ارائه استدلال و تلاش برای اقناع جامعه می‌تواند تفاوت بزرگی ایجاد کند. مردم لزوماً انتظار ندارند در همه تصمیمات مطابق خواسته آنها عمل شود؛ اما انتظار دارند در تصمیماتی که مستقیماً بر زندگی آنها اثر می‌گذارد، دیده و شنیده شوند.

بنابراین، شنیدن صدای مطالبات مردمی و تلاش برای اقناع، به‌جای نادیده گرفتن، شانه خالی کردن از مسئولیت یا صرفاً واکنش پس از شکل‌گیری اعتراض، فقط ابزاری برای حل یک مسئله مشخص نیست؛ بلکه یکی از مسیرهای اصلی ایجاد اعتماد عمومی و بازسازی سرمایه اجتماعی است. جامعه‌ای که احساس کند صدایش شنیده می‌شود، حتی در مواجهه با تصمیمات سخت نیز ظرفیت بیشتری برای همراهی و همدلی دارد. شاید مهم‌ترین درس تجربه بنزین همین باشد؛ گاهی مسئله اصلی، خودتصمیم‌نیست؛ مسئله این است که مردم پیش از مواجهه با تصمیم، احساس نکرده‌اند که در فرایند آن دیده و شنیده شده‌اند.

است در نگاه کارشناسی برای خیر جمعی مطرح شوند، پشتود؟ پاسخی که پس از سال‌ها دیدن مطالبات مردم در کارزار به ذهن می‌رسد، بیش از آنکه به خودتصمیم مربوط باشد، به اعتماد به فرایند تصمیم‌گیری مربوط است. جامعه به این نتیجه رسیده است که مسئله فقط «شنیده نشدن یک مطالبه» نیست؛ بلکه این است که اساساً گوش‌های شنیدن صدای مردم وجود ندارد و در نهایت، مطالبات نیز جدی گرفته نمی‌شوند.

در چنین شرایطی، «شنیده شدن» فقط به معنای شنیدن یک صدا یا دریافت یک درخواست نیست؛ شنیده شدن یعنی به رسمیت شناختن دغدغه‌ای که پشت آن درخواست قرار دارد. کارزار نیز دقیقاً در همین نقطه معنا پیدا می‌کند: جامعه‌ای که به نوعی از ساختارهای بوروکراتیک معمول برای انتقال مطالبات ناامید شده است، به دنبال میدان دیگری برای یافتن هم‌صدایان خود می‌رود تا از طریق افزایش قدرت جمعی و یک‌کش آتالین، مخاطب خود در حاکمیت را وادار به شنیدن کند. این همان نقطه‌ای است که میان این تجربه و نشانه‌های باگشت مردم به اصلاح، پیوند برقرار می‌شود؛ مردم نارضادی، اما هنوز بخشی از جامعه ترجیح می‌دهد

کارزار نیز به‌وضوح دید. از میان بیش از ۷۰ هزار مطالبه‌ای که تاکنون در این پلتفرم منتشر شده است، بخش قابل‌توجهی به مطالبات صنفی و معیشتی اختصاص دارد؛ مطالباتی که معمولاً با کوچک‌ترین تصمیم اقتصادی یا افزایش قیمت، دوباره آوج می‌گیرند. همین اتفاق درباره بنزین نیز رخ داد و تنها ساعاتی پس از انتشار خبر، ده‌ها درخواست با ادبیات و لحن‌های مختلف، از نقدهای تند تا درخواست‌های آرام و کارشناسی، در کارزار ثبت شد. این واکنش‌ها یک واقعیت مهم را نشان می‌دهد: مردم فقط درباره «قیمت بنزین» حرف نمی‌زنند؛ آنها درباره تجربه‌ای طولانی از فشار اقتصادی، بی‌ثباتی و نگرانی از آینده سخن می‌گویند. اما پرسش مهم‌تر اینجاست؛ مگر نه اینکه در بسیاری از تحلیل‌های اقتصادی، واقعی‌تر شدن قیمت حامل‌های انرژی، به‌ویژه بنزین، می‌تواند به کاهش قاچاق، رانت و مصرف غیرمنطقی کمک کند و قیمت پایین بنزین نیز در نهایت هزینه خود را از مسیرهای دیگری مانند تورم و فشار بر منابع عمومی به جامعه تحمیل می‌کند؟ پس چرا جامعه تا این اندازه نسبت به چنین تصمیماتی بی‌اعتماد است و حتی حاضر نیست استدلال‌هایی را که ممکن

در دوروز گذشته، خبر عرضه بنزین ۸۷ هزار تومانی مانند بمبی، تایم‌لاین‌های توییتر و استوری‌های اینستاگرام را درنوردید. تصمیمی که اگرچه زمه‌های آن از اجرای طرح بنزین ۵ هزار تومانی به گوش می‌رسید، اما افکار عمومی به‌هیچ‌وجه آماده شنیدن چنین رقی نمی‌بود. کمتر از یک روز بعد، طرح متوقف شد؛ تصمیمی که بدیهی است نگرانی از نارضایتی اجتماعی و تبعات احتمالی آن را نیز نمی‌توان در آن بی‌تأثیر دانست. اما برای یک نگاه بیرونی، اتفاق مهم‌تر، فاصله میان نگاه تصمیم‌گیران و دغدغه‌های عموم مردم، یا به قول معروف «کف جامعه» است؛ جامعه‌ای که در تنگناهای اقتصادی، به‌هیچ‌وجه طاقت یک تنش قیمتی دیگر را ندارد و ناامیدانه چشم‌انتظار گشایش برای تأمین حداقل‌های معیشتی خود است. این دغدغه را می‌توان در مطالبات ثبت‌شده در پلتفرم



امیرحسین ناطقی

اهم‌بنیان‌گذار پلتفرم کارزار

از بحران «ناریه» و بیکاری تا ضرورت حمایت‌های بی‌شعار

سیستم‌های مدرسته برای بازیافت قطره‌قطره آب، نه یک انتخاب، بلکه یک الزام حیاتی است تا فشار بر سفره‌های آب زیرزمینی استان تنها همدان کاهش یابد. اقتصاد معدن و حیات محیط‌زیست نباید در تضاد با هم باشند؛ معدن‌کاری اصولی آن است که پس از پایان ذخیره، سینه‌کارها رها نشوند و زمین با بازسازی اصولی به طبیعت بازگردد.

در چنین شرایط بحرانی، عبور از این طوفان نیازمند حمایت‌های جدی، عملی و فوری دولت است؛ حمایت‌هایی که نباید تنها در حد شعارهای هماهنگی، تیترو روزنامه‌ها و وعده‌های روی کاغذ باقی بماند. دولت و نهادهای تصمیم‌گیر باید بپذیرند که پیکر نیمه‌جان معادن دیگر تحمل بخشنامه‌های دست‌وپاگیر عوارض سنگین و نگاه‌های صرفاً درآمدزا را ندارد. اگر امروز اقدام عملی و بدون شعار برای تأمین مواد ناریه، رفع ناترازی انرژی، نوسازی ناوگان و حمایت واقعی از کارگران بیکارشده صورت نگیرد، فردا برای احیای این صنعت بسیار دیر است.

نجات معدن، تنها نجات یک صنف خاص نیست؛ پاسداری از اقتصاد ملی، محیط‌زیست و معیشت هزاران کارگر زحمت‌کشی است که جز جدال با سنگ و کوه، پناهی ندارند.

قطب‌های کانی‌های غیرفلزی (نظیر سیلیس، فلدسپات و دولومیت) و معادن سنگ آهن است، شرایطی به‌مراتب شکننده‌تر دارد. در اقلیم کوهستانی و حساس همدان که با چالش فرسایش خاک و بحران آب دست‌به‌گریبان است، تقابل عملیات معدنی با دغدغه‌های محیط‌زیستی، منابع طبیعی و کشاورزی همواره چالشی جدی بوده و هست. تخریب پوشش گیاهی و آلودگی‌های ناشی از فعالیت‌های سستی، حساسیت جوامع محلی را بالا برده است. با توجه به این بحران‌های درهم‌تنیده، گذار به‌سوی «توسعه پایدار» دیگر یک انتخاب فانتزی و شعار ویترونی نیست، بلکه تنها شرط بقای معدن‌کاری در ایران است. در شرایطی که بحران تأمین مواد اولیه و فرسودگی ماشین‌آلات گلوئی تولید را فشرده است، چاره‌ای جز تغییر پارادایم و کاهش حداکثری «ردپای اکولوژیکی» وجود ندارد. استخراج‌ها باید به‌سمت روش‌های چرخشی غنیمت بیشتر از این پیکر بی‌جان، رقیق‌تر شود و هم حجم باطله‌برداری و تخریب طبیعت به حداقل برسد. از سوی دیگر در کارخانه‌های کانه‌آرایی و فرآوری، استفاده از

طی جنگ چهل‌روزه، اصلی‌ترین واحدهای تولید مواد ناریه کشور مورد هجوم قرار گرفت و عملاً از مدار تولید خارج شد و کیست که اندک آشنایی با الفبای معدن داشته باشد و نداند مواد ناریه، اصلی‌ترین حلقه زنجیره فعالیت‌های معدنی است؟ وقتی ناریه نباشد، چال‌زنی و آتش‌باری متوقف می‌شود و خوابیدن سینه‌کارها معنایی جز توقف کامل چرخه تولید ندارد. اولین و بیش‌دفاع‌ترین قربانیان این بی‌بست، کارگران و تکنسین‌های زحمت‌کشی هستند که این روزها، به‌دلیل تعطیلی ناگزیر معادن، دسته‌دسته تبدیل و خانه‌نشین می‌شوند. سفره‌هایی که بیش‌ازپیش کوچک شده، حالا با توقف انفجار در معادن، کاملاً خالی مانده است. کاهش سهمیه سوخت ناوگان خسته معدن، قطع مکرر برق واحدهای معدنی و صنایع معدنی و فشار ارگان‌های دولتی و شبه‌دولتی همچون صمت، دارایی و تأمین اجتماعی برای گرفتن غنیمت بیشتر از این پیکر بی‌جان، رقیق برای تولیدکننده نگذاشته و بحران‌های معدن‌کاری را به نقطه بی‌بازگشتی رسانده است. در این میان، استان همدان که یکی از

همیشه شنیده‌ایم: «کار معدن سخت‌ترین کار دنیاست!» گرچه زیستن در این روزگار از کار کردن در معدن سخت‌تر و جان‌فرساتر است، ولی جز زیستن و تلاش برای تداوم زندگی هم راه دیگری نیست. روزگار تلخی است؛ اما برای آنان که از زیر سنگ نان به دست می‌آورند و با کوه جدال می‌کنند، سخت‌تر.

چند سالی بود که به دلایل مختلف، از قبیل رکود، تورم، نبود سیاست‌های حمایتی و ناترازی انرژی، معدنی‌ها با مشکلات عدیده‌ای دست‌وپنجه نرم می‌کردند. متأسفانه از سال گذشته، با شروع جنگ‌های تحمیلی، بخش معدن و صنایع معدنی یکی از بیشترین ضربه‌ها را متحمل شده که آثار آن را می‌توان در تعطیلی‌های گسترده و بیکار شدن نیروهای شاغل در بخش معدن دید.



امحسین قراگوزلو

اعضو خانه معدن ایران

۵۱ استاد دانشگاه در نامه‌ای به «مسعود پزشکیان» درخواست کردند جنگلداری نوین را متوقف کنید

ا پیام ۵۱ ا استاد دانشگاه در نامه‌ای به «مسعود پزشکیان» خواستار توقف موقت هرگونه اقدام اجرایی در چارچوب الگوی موسوم به «جنگلداری نوین» در جنگل‌های هیرکانی تا انجام ارزیابی جامع علمی، حقوقی و محیط‌زیستی و تشکیل شورای ملی حفاظت و مدیریت پایدار جنگل‌های هیرکانی شدند. در متن این نامه آمده است: «جنگل‌های هیرکانی به‌عنوان یکی از ارزشمندترین سرمایه‌های طبیعی ایران و یکی از قدیمی‌ترین جنگل‌های پهن‌برگ جهان، میراثی با پیشینه‌ای چند ده میلیون ساله و ذخیره‌گاه بی‌بدیل تنوع زیستی و ژنتیکی کشور محسوب می‌شوند. این جنگل‌ها علاوه بر ارزش‌های اکولوژیک و حفاظتی، نقش حیاتی در حفظ منابع آب، حفاظت خاک، تنظیم اقلیم، کاهش آثار تغییرات اقلیمی و تأمین خدمات حیاتی اکوسیستم‌ها برای جامعه دارند. بخش‌هایی از این جنگل‌ها به‌دلیل ارزش‌های استثنایی در فهرست میراث جهانی یونسکو ثبت شده‌اند و حفاظت از آنها نه‌تنها یک مسئولیت ملی، بلکه تعهدی در قبال میراث طبیعی جهانی و حقوق نسل‌های آینده است.» استادان نگارندگان در این نامه همچنین آورده‌اند: «به‌عنوان جمعی از استادان دانشگاه، پژوهشگران و متخصصان حوزه منابع طبیعی، ضمن تأکید بر ضرورت مدیریت علمی، برنامه‌ریزی‌شده و مبتنی بر دانش روز جنگل‌های طبیعی کشور بر این باوریم که مدیریت پایدار جنگل نیازمند طرح‌ها و برنامه‌های جامع مدیریتی است. همچنین تأکید می‌کنیم که مفهوم «طرح جنگلداری» در دانش نوین جنگل‌شناسی، الزاماً متضاد با بهره‌برداری چوبی نیست. یک طرح جنگلداری می‌تواند و باید با توجه به شرایط هر اکوسیستم، اهدافی همچون حفاظت از تنوع زیستی، احیای طبیعی، پایش سلامت جنگل، افزایش تاب‌آوری در برابر تغییرات اقلیمی، حفاظت از ذخایر ژنتیکی، مدیریت مناطق حساس و حفظ خدمات اکوسیستمی را دنبال کند. با این رویکرد، نگرانی جامعه علمی کشور متوجه اصل برنامه‌ریزی و مدیریت جنگل نیست، بلکه مربوط به ضرورت اطمینان از مناسب بودن چارچوب مدیریتی پیشنهادی، انطباق آن با ویژگی‌های منحصر‌به‌فرد جنگل‌های هیرکانی، پشتوانه علمی تصمیمات و پیامدهای احتمالی اجرای گسترده آن است. با توجه به تدوین و پیگیری الگوی موسوم به «جنگلداری نوین» و احتمال اجرای آن در جنگل‌های هیرکانی، نگرانی جدی جامعه علمی کشور این است که اجرای شتاب‌زده یک رویکرد مدیریتی، پیش از انجام ارزیابی جامع علمی، حقوقی و محیط‌زیستی و بدون مشورت گسترده و مستند با جامعه تخصصی، ممکن است پیامدهایی غیرقابل‌جبران برای ساختار طبیعی، تنوع زیستی، ذخایر ژنتیکی و کارکردهای اکولوژیک این جنگل‌های ارزشمند به همراه داشته باشد. بدیهی است هر الگوی مدیریتی جدید در جنگل‌های طبیعی باید متناسب با ظرفیت‌های اکولوژیک هر رویشگاه، بر پایه داده‌های علمی معتبر، مطالعات بلندمدت و با در نظر گرفتن تمامی کارکردهای اکوسیستم طراحی و اجرا شود.»

در بخش دیگری از این نامه، امضاکنندگان از رئیس جمهور درخواست کرده‌اند: ۱- «هرگونه اقدام اجرایی در چارچوب الگوی موسوم به «جنگلداری نوین» در جنگل‌های هیرکانی تا زمان انجام ارزیابی جامع علمی، حقوقی و محیط‌زیستی متوقف شود. پیشنهاد می‌شود پیش از هرگونه اقدام اجرایی گسترده، کارگروهی مستقل متشکل از متخصصان حوزه‌های جنگلداری، بوم‌شناسی، ژنتیک حفاظت، اقلیم‌شناسی، اقتصاد منابع طبیعی و حقوق محیط‌زیست، با ابعاد مختلف این الگورا بررسی کند و نتایج آن مبنای تصمیم‌گیری قرار گیرد. این درخواست به معنای مخالفت با اصل مدیریت جنگل با نفی ضرورت وجود طرح‌های مدیریتی نیست؛ بلکه تأکیدی است بر اینکه هر برنامه مدیریت جنگل باید پس از اطمینان از سازگاری آن با ظرفیت‌های طبیعی اکوسیستم و با رعایت اصل احتیاط اجرا شود.»

ادامه مطلب را در سایت پیام ما بخوانید.

بررسی کتاب «امپراتوری کودکی؛ جلوه‌هایی از زندگی و اندیشه‌های عبدالحسین وهاب‌زاده»

در سلسله‌نشست‌های عصر سه‌شنبه‌های مجله «بخارا»

آموزش را از من بگیر، بازی را نه!

عبدالحسین وهاب‌زاده: ما نمی‌دانیم کودک چه موجودی است و سعی داریم به نیابت از او برای زندگی

و آینده‌اش برنامه‌ریزی کنیم



شصت‌وششمین نشست از سلسله‌نشست‌های عصر سه‌شنبه‌های مجله «بخارا» در بیستم مردادماه سال ۱۴۰۵، با همراهی «شهر کتاب نیاوران»، نشر «کارنامه» و مجله «صنوبر»، به نقد و بررسی کتاب «امپراتوری کودکی؛ جلوه‌هایی از زندگی و اندیشه‌های عبدالحسین وهاب‌زاده» که از سوی انتشارات «اندیشه‌ورزان تربیت» منتشر شده است، اختصاص یافت.

مطرح شده است و نهایتاً به نقطه‌ای می‌رسد که چه زمانی احساس کردید این امپراتوری در تسخیر شماس‌ت و چه زمانی با طبیعت اخت شدید؟ و اینجاست که باید در پاسخ به سؤال‌ها نگاه عمیقی داشت. گلدنا‌ساز ادامه داد: «پاسخ استاد وهاب‌زاده این است؛ ما در دانشکده علوم موزه‌ای باید نمونه‌هایی جمع می‌کردیم. من تفنکی خریدم. اولین نمونه، خرگوشی را هدف قرار دادم. زمانی که خرگوش به زمین افتاد، حس کردم از آن مرحله که بتوانم حیوانی را شکار کنم، عبور کرده‌ام و از آن لحظه دیگر نتوانستم حیوانی را بکشم. تجربه‌های شخصی دوران کودکی‌ام از بزرگ کردن حیوانات مرا به این نقطه رساند.»

او گفت: «کسی که زندگینامه ایشان را می‌خواند، آرام‌آرام متوجه می‌شود که با چه شخصیتی مواجه است و این شخصیت چه سیری را طی کرده است. استاد وهاب‌زاده اگر در گفت‌وگوها از مدرسه طبیعت، آزادی و رهایی بچه‌ها و امپراتوری آن‌ها سخن می‌گوید، به این دلیل است که خود این مسیر را طی کرده و دانش اندوخته است و این نظریه نه‌تنها به‌عنوان یک نظریه از سوی ایشان مطرح شده، بلکه بعدها در متن عمل تجربه شده است.»

❖ به طبیعت اعتماد کنید

هادی صمدی، پژوهشگر تکامل و فلسفه، آینده‌پژوه تکاملی، درباره تأثیر بازگشت به طبیعت جهت رشد فکری کودک گفت: «چرا ما باید به ایده مدرسه طبیعت اعتماد کنیم؟ برای اعتماد به طبیعت باید نظریه تکامل و زیست‌شناسی را به‌خوبی بدانیم. وقتی از سرشت آدمی و قابلیت‌های او صحبت می‌کنیم، این موضوع محصول صدها هزار سال تکامل است که در بسیاری از موارد جایگاه آن بالاتر از عقل افراد است. مثلاً در پزشکی تکاملی در دهه‌های اخیر همه متوجه شده‌اند به‌محض بروز نشانه‌های تب نباید بلافاصله به‌وسیله داروهای مورد نظر آن را پایین آورد.»

او افزود: «اگر استاد وهاب‌زاده صرفاً بر تکامل تأکید داشتند و اکولوژی نخوانده بودند، احتمالاً به ایده مدرسه طبیعت نمی‌رسیدند. این کار و دیدگاه به

شخصی نیاز دارد که هم ویژگی‌های سرشتی آدمی را درک کند و هم از نگاه سیستمی به جریان بنگرد.»

❖ مدرسه‌ای وابسته به اقلیم

بهاره کیایی، پژوهشگر کودک، طبیعت و یادگیری، در این نشست از لایه‌های عمیق اندیشه مدارس طبیعت در این اثر گفت. او بیان کرد: «فکر می‌کنم می‌شود این کتاب را از دو زاویه خواند؛ یک‌بار به‌عنوان روایتی از تولد و گسترش مدارس طبیعت در ایران و بار دیگر به‌عنوان روایت شکل‌گیری گفتگمانی درباره کودکی، طبیعت و سرزمین.»

او اضافه کرد: «شاید اهمیت کتاب در این است که مسیر تبدیل شدن یک ایده به آلترناتیو و سپس گفتگمان اجتماعی را برای ما روایت می‌کند. از این منظر، تنها روایت تجربه زیسته یک اندیشمند نیست، بلکه روایت مسیر اجتماعی شدن یک اندیشه است. مسیر روایی کتاب نشان می‌دهد که اندیشه‌های اثرگذار لزوماً از کلاس‌های درس یا دانشگاه و کتابخانه‌ها آغاز نمی‌شوند؛ گاهی ریشه آن‌ها را باید در تجربه‌های زیسته عمیق جست‌وجو کرد، در شیفتگی نسبت به پرواز پرنده‌ها و در رابطه‌ای زنده و بی‌واسطه با طبیعت؛ همان‌طور که استاد وهاب‌زاده این تجربه را در کودکی داشته‌اند. اما «امپراتوری کودکی» فرصتی فراهم می‌کند تا لایه‌های عمیق‌تر اندیشه پس این مدارس و رویکرد آن را ببینیم؛ اندیشه‌هایی که حاصل تغییر ناگهانی یا تصمیم مقطعی نیستند، بلکه از دل ده‌ها تجربه، تدریس و... پیش آمده‌اند. خواننده به‌تدریج در مسیر این کتاب درمی‌یابد که استاد وهاب‌زاده پیوسته در حال انباشت تجربه بوده و در طول زمان لایه‌های مختلفی پیدا کرده است.»

او درباره ویژگی‌های مدارس طبیعت در اقلیم‌های مختلف گفت: «یکی از ویژگی‌های مدرسه طبیعت این است که ارتباط نزدیک با اقلیم و فرهنگ دارد. مدرسه طبیعت در کوهستان و دریا و... با مدرسه در منطقه کویر متفاوت است. دیگر ویژگی آن تنوع در شیوه‌های عمل است. ما الگوهای متنوعی از مدرسه طبیعت داریم. مدارس طبیعت ثابت، سیار و... در این سال‌ها

شکل گرفته و آزمایش هم شده‌اند. همچنین برخلاف اغلب نمونه‌های جهانی، مدارس طبیعت ایران در سنین مختلفی شاگرد می‌پذیرند. در بحث آلترناتیو، همان‌طور که استاد در کتاب اشاره داشته‌اند، این مدارس در طول مسیر خود رشد و سیر تحول را طی کرده‌اند. به این ترتیب، مدرسه طبیعت یک آلترناتیو آموزشی زنده، با قابلیت اصلاح و بازطراحی است و یک ایدئولوژی غیرقابل نقد نیست.»

به گفته کیایی، «امپراتوری کودکی» از روایت تاریخی فراتر می‌رود و یک پرسش را برجسته می‌کند؛ اینکه ما چگونه با آلترناتیوهای آموزشی در جامعه خودمان مواجه می‌شویم و آیا نظام آموزشی می‌تواند یک پاسخ معتبر به آموزش داشته باشد یا باید امکان تولد رویکردهای متفاوت را فراهم کند؟

او گفت: «مدارس طبیعت تنها یک مدل آموزشی نیستند، بلکه بخشی از تنوع مورد نیاز آموزشی ما هستند.»

❖ امپراتوری به نام کودک

مایا شفاهی، سردبیر فصلنامه «صنوبر»، هم در این نشست با اشاره به اهمیت دوران کودکی گفت: «وقتی کتاب «امپراتوری کودک» را خواندم، این سؤال در ذهنم شکل گرفت که امپراتوری چیست؟ بعد از خواندن خاطرات متوجه می‌شوی که امپراتوری جهانی است برای یک کودک که بزرگ‌ترهای همه چیزدان آنجا حضور ندارند. امپراتوری دنیایی است که کودک در آن کودکی کرده است. استاد می‌گویند که کودکی را به کودکان بازرگان‌دیند و آنجاست که می‌فهمید کسی می‌تواند در این مورد صحبت‌کند که خودکودکی کرده باشد. کودکی که در آن امپراتوری و جغرافیای کوچک کنار منزلش زندگی، تجربه و خطر کرده است. آنجا که در مورد ارتباطشان با زنبورها و خصوصیات ریز آن‌ها می‌گویند، نشان می‌دهد که چقدر یک کودک می‌توانسته از دقت بالایی برخوردار باشد. کودک در جایی که حتی بزرگی نیست تا او را هدایت کرده و آموزش دهد، خود برای پاسخی پیدا می‌کند.»

او با تأکید بر این موضوع که نباید برای نگاه به آینده از کودکی گذر کنیم، ادامه داد: «اندیشه این کتاب و آن چیزی که اینجا مطرح می‌شود این است که تأکید‌کند تا کودکان جدی گرفته شوند و خودشان راهشان را پیدا‌کنند.»

❖ آموزش بدون بزرگ

محمدرضا سرکار آرائی، استاد دانشگاه علامه طباطبایی، در پیامی صوتی درباره اهمیت فلسفی مدرسه طبیعت در رشد فکری انسان گفت: «روسو در کتاب «قرارداد اجتماعی» به ما پیشنهاد می‌کند عظمت فکر را محفوظ داشته و در عین حال سعادت و خوش‌قلبی که انسان به‌طور طبیعی دارد به او بازگردانیم. اینجا نقطه تلاقی وهاب‌زاده و روسو است. اما چگونه این امر ایجاد می‌شود؟ تجدید فرد و تجدید جامعه. همه پیام «قرارداد اجتماعی» این است که تجدید فرد با تربیت نکردن اتفاق می‌افتد و به تعبیر وهاب‌زاده با آموزش ندادن و به تعبیر من با دوری از بزرگ اجتماعی. آقای وهاب‌زاده می‌گویند پدیده‌های طبیعی بهترین مربی هستند. «امپراتوری کودکی» همه‌چیز را ترویج می‌کند و یکپارچگی را یاد می‌دهد. وهاب‌زاده در «امپراتوری کودکی» این پرسش‌ها را مطرح می‌کند؛ آیا فضیلت‌های خردمندی را به جا آورده‌ایم؟ آیا عشق ورزیده‌ایم؟ آیا وفاداری و مشارکت داشته‌ایم؟»

❖ شناخت جهان با بازی

عبدالحسین وهاب‌زاده با انتقاد از روش‌های متعارف آموزش و پرورش و نتایج جبران‌ناپذیر آن در روحيات دوران بزرگسالی گفت: «بچه‌های ما وقتی بزرگ می‌شوند از کتاب بیزارند، چرا؟ چون مدرسه کتاب را به ابزار شکنجه تبدیل کرده است. هیچ‌وقت فکر نکردیم که چرا هرچه بیشتر دودیم، کمتر رسیدیم. ما کودکی را از بچه‌ها گرفته‌ایم. آن‌ها سرخوشی و یلگی را از دست داده‌اند و اگر این‌ها را به بچه‌ها بازگردانیم، نباید این انتظار را داشته باشیم تا به جامعه‌ای سرزنده، خلاق، خوشبخت و توسعه‌یافته برسیم.»

او افزود: «توسعه از کلاس‌های متراکم برنمی‌خیزد. اگر آدم‌هایی پیدا کردید که کارآفرین و دانشمند و... هستند اما کودکی پر و پیمان نداشته‌اند، من حرقم را پس می‌گیرم. من با گروه بزرگی از دوستان و مدارس

تیزهوشان و... سرکار دارم. این‌ها پزشک، فیلسوف، جراح و... هستند، ولی هیچ‌کدام زندگی به‌سامان ندارند و از زندگی خشنود نیستند. نمی‌توانند بیرون از عرصه تخصصی خود کاری را پیش ببرند. اعتیاد، فکر به خودکشی و... در برخی از آن‌ها دیده می‌شود. اینکه امروز محیط زیست خوبی نداریم و جامعه ما شادمان نیست، اینکه کودکانمان به‌سامان نیستند و باید مدام نزد روان‌شناس و مشاور برده شوند، همه این‌ها در یک چیز خلاصه می‌شود که ما کودکی را به‌درستی نمی‌شناسیم. ما نمی‌دانیم کودک چه موجودی است و سعی داریم به نیابت از او برای زندگی و آینده‌اش برنامه‌ریزی کنیم. درحالی‌که این‌گونه نیست، چراکه او موجودی خلاق، پرسشگر، پژوهشگر است و مدام در جهت یافتن پاسخ و راه‌حل برای سؤال‌ها و ارتباطش با دیگران است. فقط کافی است تا بنشینیم و به او بنگریم. ابزار او برای شناخت جهان آموزش نیست، بلکه تنها ابزار، بازی است. بازی آزاد در طبیعت با سنگ، خاک، حیوانات و با دوستان واقعی و خیالی و همه چیز

را از رهگذر این بازی‌ها به دست می‌آورد.»

❖ استفاده زیاد از هوش مصنوعی و علامت آنزایمر

در ادامه، دکتر حسن عشایری از عوارض شتاب‌زدگی اطلاعات و دست‌یابی به هوش مصنوعی و دنیای دیجیتال گفت: «یک موضوع در میان عصب‌شناس‌های ایران نرسیده و آن پست‌مدرنیسم است. یکی از ویژگی‌های این موضوع سرعت و شتاب است و این شتاب‌زدگی و انفجار اطلاعات فرصت نمی‌دهد که ذهن پروسس کند. تأثیر این وضعیت بر سیستم عصبی این‌گونه است که به‌یکباره حافظه به‌درستی کار نمی‌کند و زندگی روزمره و ارتباطات محدود می‌شود. روان‌پزشکان سعی دارند با داروآن را درمان‌کنند.»

او افزود: «در سفر به اروپا مهدکودک‌های جنگل را دیدم که کودکان باید در آن‌ها کاملاً آزاد باشند و مطلقاً آموزشی در کار نیست تا با طبیعت آشتی کنند و خودشان به این نتیجه می‌رسند که برای رشد، شرایط و زمان نیاز است.»

او ادامه داد: «آن‌هایی که با هوش مصنوعی بیش از حد معمول کار می‌کنند و جوان‌هایی که به پدانش اطلاعات آلوده شده‌اند، بعد از مدتی شبکه عصبی و حافظه‌شان خوب کار نمی‌کند و علائمی شبیه آنزایمر دارند و مشکلات رفتاری پیدا می‌کنند. امیدوارم این نوع کتاب‌ها در ایران و فعالیت‌هایی چون مدرسه طبیعت راه‌هایی جهت پیشگیری باشند. پیازه می‌گوید آموزش دادن اشتباه است. فرد می‌تواند به چیزی که می‌خواهیم در مغز یک فرد فرو کنیم، برسد.»

❖ کودکی را نمی‌توان به تعویق انداخت

شیوا دولت‌آبادی، روان‌شناس، با اشاره به اینکه نباید کودکی را قربانی مسئله زمان رشد و آموزش کرد، گفت: «وقتی در کتاب‌های ریاضی از عکس دو سبب برای آموزش جمع دو به اضافه دو استفاده کردند، طبیعت را به‌اجبار وارد آموزش کردند! خب وقتی در طبیعت می‌شود سبب‌ها را کنار هم گذاشت و ریاضی را به این شکل فهمید، چرا این شانس را از بچه‌ها می‌گیریم؟» او افزود: «می‌خواهم به‌عنوان کسی که در مورد روان‌شناسی رشد کار کرده‌ام بگویم که دوازده‌سالگی برای یادگیری مسائلی که امروز در مدرسه‌ها آموزش داده می‌شود دیر نیست. بنابراین قبل از آن باید در راه آنچه که می‌تواند خلاقیت، جوشش و کنش کودکی را پروراند تلاش کرد. می‌شود دیرتر کودک را به چارچوب‌های قراردادی برد، ولی کودکی را نمی‌شود به تعویق انداخت.»

❖ انقلاب صنعتی کودکی را محو کرد

اسدالله مرادی، استاد دانشگاه فرهنگیان، هم در این نشست ضمن خشنودی از آگاهی‌مادران و پدران جوان و اعتماد آن‌ها به دنیای کودکی فرزندان‌شان چنین گفت: «چرخ انقلاب صنعتی آن قدر بزرگ بود که جامع بشر را زیر چرخ خود له کرد، از جمله کودک. به نظم بیش‌وکم ما تحت این هژمونی هستیم! اما امروز مادران جوان، آقای دکتر و مدرسه طبیعت را پیدا کرده‌اند و متفاوت فکر می‌کنند. نسل جوان آگاه‌تر شده‌اند. امیدوارم جامعه ایران بتواند از کودکی و کودک مراقبت‌کند.»

اپریسا احدیان |

روزنامه‌نگار |

علی دهباشی در این نشست، ضمن خوشامدگویی به میهمانان حاضر در این مجلس، گفت: «این کتاب تلاشی است برای واکاوی زندگی، اندیشه‌ها و تجربه‌های عبدالحسین وهاب‌زاده، استاد دانشگاه، مترجم، اندیشمند و فعال برجسته حوزه‌های بوم‌شناسی، زیست‌شناسی، رفتارشناسی و محیط زیست ایران که در دهه گذشته بیش از همه به‌عنوان ایده‌پرداز و بنیان‌گذار مدرسه طبیعت در ایران شناخته می‌شود.

نام وهاب‌زاده با مدرسه طبیعت گره خورده و اندیشه او چشم‌اندازی متفاوت را برای درک دوران کودکی نمایان کرده است. وی در یک دهه اخیر با تکیه بر دانش بوم‌شناسی، زیست‌شناسی، تجربه‌های شخصی و حرف‌های خود و با همراهی جمعی علاقه‌مند، گفتگمانی جدید را در حوزه کودکی و مدرسه شکل داده و نگاه به کودکی را تعریف کرده است.»

❖ چگونه وهاب‌زاده، وهاب‌زاده شد

سیدمحسن گلدنا‌ساز نماینده نشر اندیشه‌ورزان تربیت، در معرفی کتاب «امپراتوری کودکی؛ جلوه‌هایی از زندگی و اندیشه‌های عبدالحسین وهاب‌زاده» گفت: «بخش اول این کتاب روایت زندگی و گفت‌وگو پیرامون آن چیزی است که برای آقای وهاب‌زاده از کودکی تا نوجوانی، جوانی و بزرگسالی اتفاق افتاده است. آقای وهاب‌زاده با بیان دوران کودکی خود، از تجربه بزرگ کردن جوجه‌گنجشک‌ها و تغذیه آن‌ها، اخلاق مراقبت در دوران کودکی را به ما یاد داده‌اند.»

به‌گفته او، «اگر این نکات تا جزئیات و سؤال‌های متفاوت و متعددی که در بخش اول کتاب آمده است را یک تسهیلگر و معلم بخواند، به‌خوبی تمام نکاتش را دریافت می‌کند و خوب می‌داند که کودکی یعنی همین چیزها.» گلدنا‌ساز افزود: «در این کتاب پرسش‌های کوتاهی از ایشان می‌شود؛ مثلاً این سؤال که آیا در کودکی کمتر هم داشتید؟ سار هم می‌خریدید و پول‌توجیبی هم می‌گرفتید؟ قبل از ورود به دبستان خواندن یا نوشتن یاد گرفتید؟ در کودکی دعو‌ا هم می‌کردید؟ و جواب همه آن‌ها بله است. همه سؤال‌هایی است که هوشمندانه

یک تسهیلگر حوزه

کودک: مدرسه طبیعت

یک آلترناتیو آموزشی

زنده، با قابلیت اصلاح

و بازطراحی است

یک ایدئولوژی

غیرقابل نقد نیست

نویت اول	سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت‌اسناد و املاک استان اصفهان	
اداره ثبت‌اسناد و املاک اداره ثبت‌اسناد و املاک شمال اصفهان	
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی	توضیحات
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی	
برابر رای شماره ۱۴۰۵/۰۴/۲۶۰۰۵۴۵۶ هیات سوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی اداره ثبت‌اسناد و املاک شمال اصفهان تصرفات مالکانه بلامعارض مالکیت آقای عبدالله مطیعی به شناسنامه شماره ۱۱۱۶ کدملی ۱۲۸۴۴۲۴۴۹۳ صادره فرزند نعمت اله نسبت به شش‌دانگ یک باب تعمیرگاه پلاک شماره فرعی از ۱۵۱۸۹ اصلی واقع در بخش ۵ اداره ثبت‌اسناد و املاک شمال اصفهان به مساحت ۶۳/۴۸۸ مترمربع که مالک رسمی آقای حسن صدری نیا برابر سند انتقال شماره ۲۱۴۵ مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۰ دفترخانه ۹۸ اصفهان که مورد درخواست به‌موجب قولنامه مع‌الواسطه به متفادور و عدم گردیده است و تعدادی از شهود آن را تأیید نموده‌اند محرز گردیده است.	
لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نویت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.	
تاریخ انتشار نویت اول: ۱۴۰۵/۰۵/۲۵	
تاریخ انتشار نویت دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۰۹	
حسین زمانی علویچه	
رئیس ثبت‌اسناد و املاک	
شناسه آگهی: ۲۴۴۷۰۱۶	

آگهی مناقصه عمومی

شماره ۱۲/۱۴۰۵/ع

شرکت معدنی و صنعتی گل‌گهر (سهامی عام) در نظر دارد " **تامین و تحویل قالب بتنی (نیوجرسی)**

سه متری و یک متری در محل انبار " مجتمع خود را از طریق برگزاری مناقصه عمومی به شخص حقوقی واجد شرایط واگذار نماید. لذا متقاضیان می‌توانند جهت اخذ اسناد مناقصه به وبسایت این شرکت به نشانی **WWW.GEG.IR** بخش مناقصه و مزایده مراجعه و اسناد مذکور را دانلود نمایند. آخرین مهلت تحویل پاکات ساعت **۱۳:۰۰ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۰۱** در محل دفتر کمیسیون معاملات مجتمع و یا دبیرخانه دفتر تهران به آدرس: سعادت‌آباد خیابان علامه شمالی کوچه شماره ۱۶ غربی (کوروش) پلاک ۴۸ طبقه ۴ می‌باشد.
شایان ذکر است فرمت ضمانت‌نامه‌های شرکت در مناقصه بایستی عیناً مطابق با فرمت ارائه شده در اسناد مناقصه تهیه گردد.
شرکت معدنی و صنعتی گل‌گهر در قبول یا رد هر یک از پیشنهادات بدون نیاز به ذکر دلیل و بدون جبران خسارت مختار می‌باشد.

کمیسیون معاملات شرکت معدنی و صنعتی گل‌گهر

۱۰۰ روز از ناپدید شدن یک لنج صیادی ایرانی در اقیانوس هند گذشته و خانواده‌های ملوانان چشم‌انتظار عزیزانشان هستند

معمای «شاهین ۲» و بالگردهای آمریکایی

لنج‌های همراه، حملهٔ آمریکایی‌ها به یک کشتی تجاری در مجاورت شاهین ۲ را دیده‌اند و می‌گویند بالگرد آمریکایی سعی در متفرق کردن لنج‌های دیگر داشت



شاهین ۲



استاره حجتی ا

روزنامه نگار ا

ناخدا «حمید بلوچ»، «مهران بلوچ»، «مهران رنجبر»، «اقبال گنگذاری»، «اسماعیل بکرای»، «عادل، فرید و محمد رزمی»، «عبدالله روزافزا»، «رضا پیرایش»، «محمد رئیس»، «جاسم، مهرداد و حامد دهانی» و «مردبخش نوحانی» نام ۱۷ صیادی است که روی لنج «شاهین ۲» در «کنارک» سیستان و بلوچستان کار می‌کنند و مانند همه صیادان این منطقه، وقت صید دل به دریا می‌زنند و تا آب‌های آزاد پیش می‌روند.
بامداد ۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۵ اما سرنوشت برای ناخدا حمید و ۱۶ جاشو و صیاد لنجش، اتفاقی عجیب رقم زد. از آن روز تا امروز خبری از آنها نیست.

❶ ناپدید شدن از رادار

ساجد، مالک اصلی و پدر ناخدا «حمید» است: «لنج شاهین ۲ روز ۱۵ اردیبهشت از بندر کنارک عازم آب‌های آزاد می‌شود. کنارک یک شهر صیادی است و اکثریت مردان صیاد هستند. صیدگاه‌ها تنها در اقیانوس هند است. شاهین ۲ هنگام حرکت ۱۷ سرنشین داشت که یک نفر آنها پاکستانی و بقیه ایرانی بودند. آنها به‌همراه شش لنج دیگر عازم شده بودند. لنج‌های همراه می‌گویند که بامداد ۱۷ اردیبهشت حوالی ساعت ۱۲:۳۰ تا یک

بامداد، در ۸۰ مایلی سواحل عمان، به‌طور ناگهانی شاهین ۲

از صفحه ناوبری و ردیابی آنها ناپدید می‌شود و کمی بعد یک بالگرد آمریکایی رامی‌بیند که سعی در متفرق کردن این گروه لنج‌ها دارد. تا الان نیز هیچ خبری از شاهین ۲ نداریم. خانواده‌های خدمه این لنج بسیار نگران عزیزانشان هستند و از مسئولان توقع دارند که به‌جای گمانه‌زنی، واقعیت ماجرا را کشف کنند و به اطلاع آنها برسانند.»

ساجد توضیح می‌دهد: «ما در نامه‌ای که به سفارت عمان ارسال کردیم، درخواست بررسی موضوع را کرده‌ایم اما آنها

اداره کل ثبت‌اسناد و املاک استان کرمان

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک جیرفت

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۵/۴۰۷۵۸۹۰۴۰۵۶۳۱۹۰۱۴۰۵۵/۵/۱۰ - در شش دانگ یک قطعه زمین به مساحت ۵۵۵ مترمربع پلاک ۴۴ فرعی از ۵۶۲ - اصلی مفروز و مجزا از پلاک - فرعی از ۵۶۲ - اصلی واقع در اراضی بندر سارودینه جیرفت بخش ۳۴ کرمان خیرداری از مالک رسمی عبدالله رستمی ابوسعیدی محرز گردیده است برابر رای شماره ۱۴۰۵/۴۰۷۱۱۰۴۰۵۴۰۳۱۹۰۱۴۰۵۵/۳/۱۲ - تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خاتم آرتنا ماریکی مهنی فرزند امارالله شش‌دانگ یک قطعه باغچه و خانه به مساحت ۱.۰۳۸۸ مترمربع پلاک ۹۶ فرعی از ۱۱۰- ا

نوبت اول



قوتیاز

اصلی مفروز و مجزا از پلاک - فرعی از ۱۲۰- اصلی واقع در اراضی پشت خوان دلفارد جیرفت بخش ۳۴ کرمان خیرداری از مالک رسمی محمد کمالی نژاد محرز گردیده است برابر رای شماره ۱۴۰۵/۴۰۶۲۸۰۴۰۵۶۳۱۹۰۱۴۰۵۵/۴/۱۳ - اصلی مفروز و مجزا از پلاک - فرعی از ۲۵۰- اصلی واقع در اراضی جیرفت بخش ۴۵ کرمان خیرداری از مالک رسمی موسی جهانپانی محرز گردیده است برابر رای شماره ۱۴۰۵/۴۰۶۶۱۹۰۴۰۵۶۳۱۹۰۱۴۰۵۵/۴/۲۳ - تصرفات بلامتعارض متقاضی آقای ایرج خداد نژاد ساردوتی

فرزند مختار در شش‌دانگ یک قطعه زمین مزرویی به مساحت ۱۲۰۷.۰ مترمربع پلاک ۱۰ فرعی از ۴۵۶ - اصلی مفروز و مجزا از پلاک - فرعی از ۴۵۶ - اصلی واقع در اراضی الله‌آباد هرندی علیاء جیرفت بخش ۴۵ کرمان خیرداری از مالک رسمی حبیب آقبا میرز گردیده است برابر رای شماره ۱۴۰۵/۴۰۶۹۴۰۴۰۵۶۳۱۹۰۱۴۰۵۵/۴/۱۶ - اصلی مفروز و مجزا از پلاک - فرعی از ۴۹۸ - اصلی واقع در اراضی علی‌آباد ماریکی جیرفت بخش ۴۵ کرمان خیرداری از مالک رسمی محمد علی‌آباد امیر شجاعی محرز گردیده است برابر رای شماره ۱۴۰۵/۴۰۶۲۵۰۴۰۵۶۳۱۹۰۱۴۰۵۵/۴/۱۷ - اصلی مفروز و مجزا از پلاک - فرعی از ۴۵۴ - اصلی واقع در اراضی ده شیخ مرغزی جیرفت

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

حوزه ثبت ملک ماسال

از: اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان ماسال

به: اداره ارشاد اسلامی شهرستان ماسال

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و تبصره ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۵/۴۰۶۳۱۹۰۱۴۰۵۵/۴/۱۹ مورخ ۱۴۰۵/۴/۱۹ هیات اول / دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ماسال تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای / خانم بروج باهار فرزند علیقلی بشماره شناسنامه ۱۹۳۳ صادره از ----- در شش دانگ یک قطعه زمین مشتمل بر برابری به مساحت ۱۵۱/۵۷ مترمربع پلاک فرعی ۴۰۶ از اصلی ۲۶ بخش ۱۲ گیلان واقع در کوچکام خیرداری از مالک رسمی ناز علی سلمانی محرز گردیده است.

لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار اول: ۱۴۰۵/۵/۱۰ - تاریخ انتشار دوم: ۱۴۰۵/۵/۲۵

بداله شهپازی چلمه سرا- سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک ماسال

از طرف صائمه امجدی

شناسه آگهی: ۲۳۳۷۲۸۰م الف: ۱۰۹۶

نوبت دوم



قوتیاز

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و تبصره ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۵/۴۰۶۳۱۹۰۱۴۰۵۵/۴/۱۹ مورخ ۱۴۰۵/۴/۱۹ هیات اول / دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ماسال تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای / خانم بروج باهار فرزند علیقلی بشماره شناسنامه ۱۹۳۳ صادره از ----- در شش دانگ یک قطعه زمین مشتمل بر برابری به مساحت ۱۵۱/۵۷ مترمربع به پلاک فرعی ۴۰۶ از اصلی ۲۶ بخش ۱۲ گیلان واقع در کوچکام خیرداری از مالک رسمی ناز علی سلمانی محرز گردیده است. لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار اول: ۱۴۰۵/۵/۱۰ - تاریخ انتشار دوم: ۱۴۰۵/۵/۲۵

بداله شهپازی چلمه سرا- سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک ماسال

از طرف صائمه امجدی

شناسه آگهی: ۲۳۳۷۲۸۰م الف: ۱۰۹۶

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

حوزه ثبت ملک ماسال

از: اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان ماسال

به: اداره ارشاد اسلامی شهرستان ماسال

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۵/۴۰۶۳۱۹۰۱۴۰۵۵/۴/۱۹ مورخ ۱۴۰۵/۴/۱۹ هیات اول / دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ماسال تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای / خانم پاجی رجبی فرزند صفرعلی بشماره شناسنامه ۲۶۷۸۲ صادره از --- در شش دانگ یک قطعه زمین مشتمل بر برابری به مساحت ۲۹۶/۴۵ مترمربع به پلاک فرعی ۴۱۱ از اصلی ۷ بخش ۲۶ گیلان واقع در کوچکام خیرداری گردیده است.

لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار اول: ۱۴۰۵/۵/۱۰ - تاریخ انتشار دوم: ۱۴۰۵/۵/۲۵

بداله شهپازی چلمه سرا- سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک ماسال

از طرف صائمه امجدی

شناسه آگهی: ۲۳۳۷۲۸۰م الف: ۱۰۹۶

نوبت دوم



قوتیاز

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

حوزه ثبت ملک شفت

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵/۴۰۶۳۱۹۰۱۴۰۵۵/۴/۲۴ مورخ ۱۴۰۵/۴/۲۴ هیات اول / دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شفت تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای حسین فرحناک لیکوتی فرزند حسن شماره شناسنامه ۱۰ صادره از شفت در شش‌دانگ یک قطعه زمین مشتمل بر ساختمان و انباری و به مساحت ۲۳۷/۴۹ مترمربع می‌باشد. به شماره پلاک ثبتی فرعی ۲۴۰ مجزی شده از پلاک ۱۴۷ فرعی واقع در قریه لیکوخندان شفت سنگ اصلی ۴۰ بخش ۲۱ گیلان خیرداری از مالکیت رسمی حسن فرحناک لیکوتی گردیده است.

لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود. در صورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند.

بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض و یا عدم ارائه گواهی تقدیم دادخواست وفق مقررات سند مالکیت اقدام خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۵/۱۰ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۵/۲۵

نعمت ذوقی

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شفت

از طرف ابودر زبین پور حسن کیهاد

نوبت دوم



قوتیاز

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و تبصره ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۵/۴۰۶۳۱۹۰۱۴۰۵۵/۴/۱۹ مورخ ۱۴۰۵/۴/۱۹ هیات اول / دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ماسال تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای / خانم فاطمه باهار فرزند بروج بشماره شناسنامه ۲۶۷۸۲ صادره از رشت در شش دانگ یک قطعه زمین مشتمل بر برابری به مساحت ۳۳۷/۱۴ مترمربع پلاک فرعی ۴۱۲ از اصلی ۷ بخش ۲۶ گیلان واقع در کوچکام از مالک رسمی خیرداری گردیده است. لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار اول: ۱۴۰۵/۵/۱۰ - تاریخ انتشار دوم: ۱۴۰۵/۵/۲۵

بداله شهپازی چلمه سرا- سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک ماسال

از طرف صائمه امجدی

شناسه آگهی: ۲۳۳۷۲۸۰م الف: ۱۰۹۶

لنج‌های دیگر تعریف کرده‌اند. این لنج‌ها بعد از ۷۰ روز آم‌زند و به ما گفتند که آخرین بار «شاهین ۲» با بالگردهای آمریکایی دیده شده‌است.»

نادیه و اقبال سه فرزند دارند: طهورا ۱۱ ساله، صدف ۷ ساله و تارای ۴ ساله. سه فرزند پدری که خودش متولد ۱۳۲۹ است:

«در این مدتی که اقبال نیست، ما همه چیز را نسیه از مغازه‌ها تهیه می‌کنیم. اقبال سرپرست دو خانواده بود. مسئول زندگی پدر و مادرش هم بود. الان هیچ کدام دیگر کسی را نداریم تا نان آوردها باشد. منتظر هستیم تا اقبال باید و بتوانیم پولشان را بگیریم، خانم، برای ما مپیکر باشید. ما از شما انتظار داریم. ما فکر می‌کنیم اقبال و همکارانش اسیر هستند. ما فکر می‌کنیم آمریکا اینها را اسیر کرده و به یکی از کشورهای عربی برده است.»

«جمبله» خواهر اقبال است. او می‌گوید: «اقبال چهار خواهر دارد و خودش همین یک پسر است. پدرم پیر است. سه ماه است این اتفاق افتاده است، اما کسی جز پدر ناخدا موضوع را پیگیری نمی‌کند.»

«عبدالله» پسر «مردبخش نوحانی» است: پسری که حالا در نبود پدر تلاش می‌کند تا خانواده را اداره کند: «ما شش بچه‌ایم: سهیلا، عبدالله، داوود، رحمت‌الله، بیت‌الله، نصرالله. سهیلا که فرزند اول پدرم است، ازدواج کرده و با ما زندگی نمی‌کند. من بزرگ‌ترین پسر مراد هستم که ۱۵ سال دارم. برادرهایم از من کوچک‌تر هستند.»

عبدالله می‌گوید که در نبود پدر باید به کارها و امور خانه رسیدگی کند، اما جایی برای کار کردن ندارد تا بتواند گروای از مشکلات مالی خانواده در این چند ماه باز کند: «ما ساکن باهوکلات هستیم. من در دشتیاری (نزدیک‌ترین شهر به باهوکلات) خیلی به شرکت‌ها به جایایی که می‌شود کار کرد، سر می‌زنم، اما شرکت‌ها به من کار نمی‌دهند. می‌گویند سمت کم است. پدر بزرگ من فوت شده است و عمو و دایی‌هایم هم از ما خیلی دور هستند. حالا مادر بزرگمان با کسی برابیان چیزی می‌آورد. مادرم موضوع مفقود شدن بابا را خیلی پیگیری کرده‌است. اما همه می‌گویند خبری نداریم. حالا فقط انتظار می‌کشیم تا پدر برگردد.»

❷ «برادرم هنوز نمی‌داند قرار است پدر شود»

«سارا» خواهر «مهران رنجبر» است: «مهران حدود ۲۳، ۲۴ سال دارد. زنش برادر است، اما خودش خبر ندارد. وقتی رفت، خانشم فهمید که دامنه‌ها است. هنوز نمی‌داند قرار است پدر شود.»

سارا می‌گوید پیگیری‌های زیادی انجام داده‌اند، اما به هیچ نتیجه‌ای نرسیده‌اند: «تا تهران رفتم، سراغ نمانیده‌ام راهم گرفتم. حالا هر کم رفتم، فقط می‌گویند ما پیگیری می‌کنیم. اما ما هنوز نمی‌دانیم چه اتفاقی افتاده است. مهران و همسرش خانه وزندگی جلدانداشتند. مهران هرچه درمی‌آورد، به ما هم می‌داد. پدرم زنده است، اما پیر و مریض است و نمی‌تواند کار کند. پدر حالا بازنشته‌است. الان زندگی خیلی سخت شده است. ما داریم با یارانه و کالای زندگی می‌کنیم. آن‌چنان خبری است در صورت نمی‌دهد. همان اول هلال‌رحم کمی خوراکي به ما داد. ما هم گرفتیم و خدا را شکر کردیم.»

ادامه مطلب را در سایت پیام ما بخوانید.

تصرفات مالکانه بلامتعارض متقاضی خانم زهرا ساردوتی فرزند مراد شش‌دانگ یک قطعه زمین مشتمل بر سقف سنگ در حال احداث به مساحت ۲۴.۰۳ مترمربع پلاک ۳۹۹۶ فرعی از ۵۷۹ - اصلی مفروز و مجزا از پلاک ۲۶ فرعی از ۵۷۹ - اصلی واقع در اراضی رهجرد جیرفت بخش ۴۵ کرمان خیرداری بزش ۳۴ کرمان خیرداری از مالک رسمی سید اکبر هاشمی رضا محرز گردیده است برابر رای شماره ۱۴۰۵/۴۰۳۲۶۰۴۰۵۶۳۱۹۰۱۴۰۵۵/۴/۲۳ - تصرفات مالکانه بلامتعارض متقاضی خانم الهام دهقان فرزند خادرامد شش‌دانگ یک قطعه زمین مشتمل بر اتاق به مساحت ۳۰۰ مترمربع پلاک ۳۹۶۱ فرعی از ۵۷۹ - اصلی مفروز و مجزا از پلاک ۱۳ فرعی از ۵۷۹ - اصلی واقع در اراضی رهجرد جیرفت بخش ۴۵ کرمان خیرداری از مالک رسمی خادامد دهقان محرز گردیده است برابر رای شماره ۱۴۰۵/۴۰۴۰۹۰۴۰۵۶۳۱۹۰۱۴۰۵۵/۴/۲۴ - تصرفات بلامتعارض متقاضی آقای حمیدرضا امیری دوماری فرزند اسفندیار شش‌دانگ یک باب خانه به مساحت ۲۳۲ مترمربع پلاک ۳۹۶۴ فرعی از ۵۷۹ - اصلی مفروز و مجزا از پلاک ۲۶ فرعی از ۵۷۹ -- اصلی

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۵/۱۰ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۵/۲۵

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک جیرفت

شناسه آگهی: ۲۳۵۰۸۳۰م الف: ۱۴۰۵

نوبت دوم



قوتیاز

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان سمنان

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵/۴۰۶۳۱۹۰۱۴۰۵۵/۴/۲۳ مورخ ۱۴۰۵/۴/۲۳ هیات اول / دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شاهرود تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای / خانم حسن انبیر فرزند علی بشماره شناسنامه ۷۴۸۵ و شماره ملی ۵۷۹۱۲۴۹۷۱ - شش‌دانگ یک باب انبار به مساحت ۲۰۰ مترمربع قسمتی از پلاک ۵۶ فرعی از ۱ اصلی واقع در بخش ۴ شاهرود خیرداری از مع اولی‌سپه از علی اصغر نوروزی محرز گردیده است. لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۵/۱۰ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۵/۲۵

حمیدرضا شهباز چلمه پور

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان شاهرود

از طرف محمدعلی یارمحمدی معاون ثبت

شناسه آگهی: ۲۳۳۹۵۲۰م الف: ۲۳۳۹۵۲۰

نوبت دوم



قوتیاز

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۵/۴۰۶۳۱۹۰۱۴۰۵۵/۴/۲۴ مورخ ۱۴۰۵/۴/۲۴ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شفت تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای محمدی فرزند رجب شماره شناسنامه ۴۰۲۸ در شش‌دانگ یک قطعه زمین مشتمل بر بنای ادحاتی مساحت ۹۱۵ مترمربع می‌باشد. به شماره پلاک ثبتی فرعی ۱۵۸۳ مجزی شده از پلاک ۱۳۵ فرعی باقیمانده واقع در قریه چوبر شفت سنگ اصلی ۵۲ بخش ۱۱ گیلان خیرداری از مالکیت رسمی گداعلی قریب گردیده است. لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و طرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست عدم وصول اعتراض و یا عدم ارائه گواهی تقدیم دادخواست وفق مقررات نسبت به ادامه عملیات ثبتی و صدور سند مالکیت اقدام خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۵/۱۰ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۵/۲۵

نعمت ذوقی - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شفت

از طرف ابودر زبین پور حسن کیهاد

شناسه آگهی: ۲۳۳۷۲۸۰م الف: ۹۱۹۶

نگاهی به نمایشگاه «زیبایی‌شناسی زوال یک کارخانه» در کاشان

زیبایی یک زوال



دریاغوش | آغا

روزگاری صدای بوق بخار کارخانه‌ای در کاشان، زندگی روزمره مردم شهر را تنظیم می‌کرد؛ بوقی که زمان شروع شیفت، پایان کار و بازگشت مردم به خانه را اعلام می‌کرد. امروز از آن کارخانه چیزی جز ویرانه‌ای باقی نمانده است. نمایشگاه «زیبایی‌شناسی زوال یک کارخانه» به نمایشگاه‌گردانی «مهرنوش علی‌مددی» به سرآغ همین کارخانه رفته است؛ کارخانه‌ای که زمانی بخشی از حافظه و زندگی روزمره مردم کاشان بود.



امژده عالی |

اطراح گرافیک ا

روزگاری را تصور کنید که در جهان، هیتلر در حال به قدرت رسیدن است و در ایران، رضاشاه پروژه‌هایی تحت عنوان نوسازی وتغییرات اجتماعی را پیش می‌برد. سال ۱۳۱۳ هجری شمسی است و در شهر کاشان، مردی به نام «حسن تفضلی» مشهور به ارباب تفضلی تصمیم می‌گیرد نخستین کارخانه مدرن نساجی را در این شهر راه‌اندازی کند.

درروایتی درباره زندگی حسن تفضلی آمده‌است که ارباب تفضلی فرشی برای دربار رضاشاه بافت و وقتی شاه فرش را دید، بسیار خاطر ملوکانه‌اش خوش آمد و خواست بافنده فرش را ببیند. وقتی حاجی ارباب کاشانی به دیدار شاه رفت، درساخ به این پرسش که چه کمکی لازم داری،

| گوشه دنیا |

روزنامه سیاسی – اجتماعی صاحب امتیاز و مدیرمسئول: روح‌الله خدیشی زیر نظر شورای سردبیری دبیر ویژه‌نامه‌ها: شبنم شکوربان مدیر هنری: تبوا صددیان دبیر عکس: یاسر خدیشی

تماس دفتر تهران: ۰۲۱-۲۸۴۴۱۹۱۰ / شماره نامبر: ۰۲۱-۷۴۲۲۷۱۰۵

تهران – خیابان شریعتی – ابتدای شهید بهشتی – پلاک ۱۲- طبقه اول

نشانی: کرمان، میدان آزادی، خیابان شهید بهشتی، شهید بهشتی ۱۰، نبش شرقی ۲ / تلفن: ۰۳۴-۳۳۴۴۸۰۰۶

هنوزهم پس از چند دهه، صدای بوق کارخانه ونام ارباب تفضلی بخشی از حافظه جمعی مردم کاشان است. روزی این کارخانه نشان رونق و آبادی کاشان و نمادی از پیشرفت اقتصادی شهر بود؛ امروز اما کارخانه‌های مجموعه ارباب تفضلی دیگر رونق گذشته را ندارند و از کارخانه شماره یک چیزی جز ویرانه باقی نمانده است. اما آیا زوال الزاماً پایان است؟

❧ کارخانه شماره یک

امروز در کاشان نمایشگاهی برپاست درباره این کارخانه از میان‌رفته، «زیبایی‌شناسی زوال یک کارخانه» نمایشگاه گروهی به کوریتئوری «مهرنوش علی‌مددی» است که تا ۳۰ مرداد در کارخانه هنر لیکه ادامه دارد. علی‌مددی می‌گوید این نمایشگاه در دی‌ماه ۱۴۰۳ و پس از نخستین مواجهه‌اش با کارخانه هنر لیکه شکل گرفت؛ کارخانه‌ای قدیمی که در حال بازسازی بود. موقعیت این کارخانه‌هنر در دل یک شهرک صنعتی و پیشینه‌اش به‌عنوان کارخانه‌ای قالی‌بافی وتوجه مدیریت مجموعه به نسبت هنر و صنعت برای او حائز اهمیت شد: «می‌خواستم نمایشگاهی که در کارخانه هنر لیکه برگزار می‌کنم، ارتباط مستقیمی با کاشان داشته باشد وبیش از هر کسی برای مخاطبان شهر کاشان باشد.»

به همین دلیل، او به سرآغ کارخانه شماره یک رفت؛ مکانی که به‌گفته‌او درحافظه جمعی کاشانی‌ها‌حضوری بزرگ دارد. نگاه کلی او به این نمایشگاه، مفهوم «زوال» بود: «در حین پژوهش به لایه‌های مختلف این کارخانه برخورد کردم و خواستم که این نمایشگاه به صورت هنر مفهومی برگزار شود وبنابرهمین دلیل، شش هنرمند با شش مدیوم مختلف راانتخاب کردم». اما این پژوهش فقط به جمع‌آوری اسناد تاریخی محدود نشد. علی‌مددی در سال ۱۴۰۴ همراه با هنرمندان به کاشان رفت تا بقایای کارخانه‌شماره یک وفضا‌های مرتبط با آن را ببیند. پژوهش درباره کارخانه و مطالعه اسناد و مطبوعات قدیمی، از جمله ویژه‌نامه‌ای از مجله «کاچ» درباره این کارخانه، بخشی ازاین فرایند بود. اواین فرایند را با هنرمندان در میان می‌گذاشت وتأکید داشت که این مواجهه قرار نیست موزای باشد. علی‌مددی می‌گوید: «در واقع می‌خواستم هنرمندان خواش و بازخوانی تاریخی خود را داشته باشند واز یک بازنامه‌ی صرف فاصله بگیریم. تمایل داشتم هنرمند به صورت شخصی ارتباط خود با این موقعیت تاریخی در گذشته را پیدا کنند. وسعت فضای کارخانه هنر لیکه‌به الیه‌تم تأثیرگذار بود. سقف بلند ودیوارهای طویل و داشتن چند فضا مهم‌زنان، در ابعاد و شکل‌گیری آثار شش مهمی داشت.» شش هنرمند نمایشگاه، هر کدام با مدیوم و نگاهی متفاوت، به این زوال و ویرانی پرداخته‌اند. «امیریهادر

دبیر فرهنگ و هنر: علی ملازاده صفحه‌آرایی: آتنا شریف‌زاده کارتنویست: چنتی ملازاده بازاریابی و تبلیغات: محمد زز اداری: فاطمه آقاملائی، شیواکوی

آهکی استان‌ها: عرفانه بهرام‌احمدی ۰۹۰۵۲۸۱۲۵۵۹ / آهکی‌های تهران: لیلی میرافضل ۰۹۳۹۴۳۷۴۴۶۰

ایمیل سازمان آهکی‌ها: payamema.adv@gmail.com / ایمیل تحریریه: khabar.payamema@gmail.com

بیات» در مجموعه عکس «رسوب زمان» به جای آنکه صرفاً ویرانی کارخانه را ثبت کند، ره حضور انسان‌ها را در فضایی دنبال می‌کند که دیگر کارکرد گذشته خود را ندارد. «شیمارعیّت‌پور» در اثر «تاریخ فراموش‌شدگان» با دوحث‌روی پارچه، سرآغ روایت‌هایی می‌رود که در فرایند رسمی تاریخ‌نگاری کمتر دیده شده‌اند. «مریم طباطبایی» در «بر باد...» با رنگ و روغن، وضعیتی معلق میان زوال و امکان را تصویر می‌کند؛ وضعیتی که در آن معلوم نیست آنچه پیش روی ماست، پایان یک مسیر است یا هنوز امکانی برای بقا و بازسازی در دل زخم و تاریکی وجود دارد. «تگین فیروزی» در اثر چاپی خود به نام «به چنگ خاطره‌ام چنگی ز باد افتاد...» قطعات شیشه شکسته کارخانه را با تصاویر و اسناد آرشویی از کارکنان صنعت نساجی ترکیب کرده و مفهوم حافظه را در دل ویرانه پیش روی مخاطب قرار می‌دهد. «شعب‌گراگانی» در «نقشه هوایی شهر کاشان» با بافت پلاستیک به فروپاشی آرمان‌هایی می‌پردازد که روزگاری بخشی از تصویرپیشرفت شهر بودند. «ژاله‌نساری» نیز در «#پروژه-نجات-کارخانه» این پرسش را مطرح می‌کند که اگر فراموشی تدریجی کارخانه در دوران دپیچال رخ می‌داد، آیاکش جمعی می‌توانست سرنوشت آن را تغییر دهد؟

❧ حفظ حافظه یک شهر

نام ارباب تفضلی، با وجود اهمیتش در پیوند با این کارخانه، در نمایشگاه به یک موضوع بزرگداشت تبدیل نمی‌شود. علی‌مددی می‌گوید قرار نبوده نمایشگاه به بزرگداشت یک شخصیت تاریخی تبدیل شود. با این حال، تصویر ارباب تفضلی آگاهانه در یکی از آثار تگین فیروزی ظاهر شده است؛ تصویری از او در مراسم افتتاح کارخانه که روی شیشه شکسته چاپ شده‌است. به این ترتیب، نمایشگاه به صورت کلی یادآور ارباب تفضلی است. شرایط اجتماعی وسایسی نیز از روند شکل‌گیری آثار جدا نمانده‌است. علی‌مددی می‌گوید ایده برخی آثار در مسیر شکل‌گیری چندین بار تغییر کرد وتجربه شرایط اجتماعی وسایسی، حوادث دی‌ماه و جنگ نیز به تدریج با مفهوم زوال نمایشگاه درهم تنیده شد. تجربه زیست امروزی هنرمند، به نگاه او اضافه شد. برای نمونه، در اثر شعب‌گراگانی، نقشه‌هوایی شهر کاشان با ایجاد گسستی از مرز کارخانه شماره یک بازنامه‌یی شد و اثر در ابعاد ی‌بزرگ و با تأکید بر تکرنگ بودن شکل گرفت. اما شاید مهم‌ترین بخش نمایشگاه، جایی باشد که کمتر از آثار دیده می‌شود: خود مکان. کارخانه هنر لیکه، میزبان «زیبایی‌شناسی زوال یک کارخانه»، خود از دل یک کارخانه قدیمی فرش در کاشان شکل گرفته‌است؛ کارخانه‌ای که تغییر کاربری داده و امروز به مکانی برای پیوند هنر و صنعت تبدیل شده‌است. به این ترتیب،

|

بیرون می‌آید، موسیقی از گذشته حرف می‌زند و دریا هنوز داستان کسانی را روایت می‌کند که قرن‌ها پیش به این ساحل رسیدند. داستان تازانیا اما به همین ساحل ختم نمی‌شود. این سوی این آب‌های فیروزه‌ای، سرزمینی گسترده آغاز می‌شود؛ جایی که صدای موج‌ها جای خود را به غرش حیوانات



نوبت اول	سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت‌اسناد و املاک استان زنجان اداره ثبت‌اسناد و املاک حوزه ثبت ملک ناحیه یک زنجان هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر آرای هیات اول / دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ناحیه یک زنجان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای / خانم محمود محمدی فرزند مبارکعلی به شماره شناسنامه ۴۷۴ صادره از زنجان در شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی آقای رحمان احمدی فرزند نریمان بشماره شناسنامه ۸۸۹ صادره از زنجان در شش‌دانگ ۳ قطعه زمین مزروعی از پلاک ۱۶۶ اصلی بخش ۷ زنجان واقع در قریه مهرآباد خربداری از مالک رسمی آقای جلال اوصالی فرزند قهرمان محرز گردیده است. لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۵/۲۵ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۰۹ سعید حسینی رئیس ثبت اسناد و املاک شناسه آگهی: ۲۲۵۱۱۶۸/م الف: ۱۷	

نوبت اول	سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت‌اسناد و املاک استان زنجان اداره ثبت‌اسناد و املاک حوزه ثبت ملک ناحیه یک زنجان هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر آرای هیات اول / دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ناحیه یک زنجان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای / خانم محمود محمدی فرزند مبارکعلی به شماره شناسنامه ۴۷۴ صادره از زنجان در شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی و یکباب ساختمان مسکونی از پلاک ۴۲ اصلی بخش ۷ زنجان واقع در قریه پایین کوه خربداری از مالک رسمی آقای / مبارکعلی محمدی فرزند محمد محرز گردیده است. لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۵/۲۵ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۰۹ ۱- پلاک ۴۲/۹۷۵۳ اصلی بخش ۷ زنجان به مساحت ۷۰۶/۴ مترمربع ۲- پلاک ۴۲/۹۷۵۱ اصلی بخش ۷ زنجان به مساحت ۲۵۰ مترمربع سعید حسینی - رئیس ثبت اسناد و املاک شناسه آگهی: ۲۲۵۱۱۶۸/م الف: ۱۶	

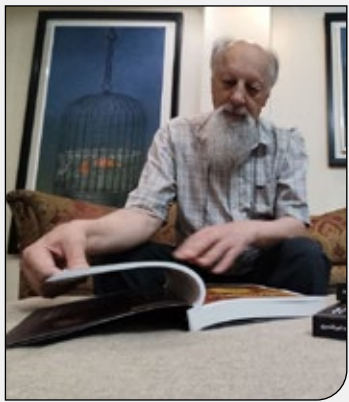
نوبت اول	سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت‌اسناد و املاک استان زنجان اداره ثبت‌اسناد و املاک حوزه ثبت ملک ناحیه یک زنجان هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر آرای هیات اول / دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ناحیه یک زنجان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای / خانم نظامعلی اسکندری فرزند عزت بشماره شناسنامه ۶۸۳ صادره از زنجان و علی اسکندری فرزند حمید به شناسنامه ۳۵۷ در شش‌دانگ ۳ قطعه زمین مزروعی از پلاک ۱۰ اصلی بخش ۷ زنجان واقع در قریه دیج بالا خربداری از مالک رسمی آقای حسن اسکندری فرزند صالح و مجید محمدی فرزند حمید محرز گردیده است. لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۱- پلاک ثبتی ۲۲۴۳/۱۰ بخش ۷ زنجان به مساحت ۳۳۷/۰۳ مترمربع ۲- پلاک ثبتی ۲۳۳۰/۱۰ بخش ۷ زنجان به مساحت ۵۵۷/۷۸ مترمربع ۳- پلاک ثبتی ۲۳۳۱/۱۰ بخش ۷ زنجان به مساحت ۷۴۹۶/۸۹ مترمربع سعید حسینی - رئیس ثبت اسناد و املاک شناسه آگهی: ۲۲۵۱۱۶۸/م الف: ۱۵	



پایام ما دیروز |

سفر به قلب تمدن هنری اروپا در قرن نوزدهم با یک کتاب

روایتی سه‌گانه از تجسم هنر و تاریخ



بازار اشیای هنری آنتیک همواره با هیجان و البته ریسک‌های مالی بسیار بالا همراه بوده‌است. تشخیص تفاوت میان یک اثر هنری ارزشمند و یک اثر تقلبی و بی‌ارزش، نیازمند دانشی است که فراتر از نگاه چشمی باشد. مجموعه سه‌جلدی «میراث زرین قرن نوزدهم» اثر «امیر کشمیری» که به‌تازگی منتشر شده‌است، با رویکردی متفاوت، این دانش را در قالب یک راهنمای عملی و علمی در اختیار هنرجویان و مجموعه‌داران قرار می‌دهد. این مجموعه از مبلمان فاخر گرفته تا ساعت‌های قدیمی، لوسترهای کریستالی، ظروف نقره، چینی و مینا را در بر می‌گیرد.

به گزارش «پایام ما»، یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های خریداران آنتیک در ایران، نبود مجموعه‌ای تخصصی ودرک صحیح اطلاعات آثار است. این مجموعه در بیش از یک هزار صفحه، با ارائه تاریخ و شناسنامه آثار هنری آنتیک در حوزه فرنیچرها به زبان فارسی، این موانع را از پیش پای مخاطب برداشته‌است. همچنین استفاده از تصاویر واقعی آثار به خواننده کمک می‌کند تا ابعاد، متریال و کیفیت ساخت قطعات را به‌درستی درک کند؛ چیزی که در خرید آنلاین یا بررسی‌های گذرا بسیار حیاتی‌است.

«نما نوربخش» در مقدمه این اثر بر ضرورت شناخت دقیق این اشیای برای جلوگیری از نادیده گرفتن ارزش‌های هنری تأکید می‌کند. او معتقد است این کتاب تنها یک آلبوم عکس نیست، بلکه «دفترچه راهنمایی برای شناخت دقیق هنر صنعتگری در یکی از درخشان‌ترین اعصار تاریخ هنر اروپاست.» این روزنامه‌نگار در تحلیل خود از اهمیت این پژوهش می‌گوید: «شناخت این آثار برای دانشجویان هنر و مجموعه‌داران، فراتر از یک علاقه، ضرورتی برای درک پیوند میان زیبایی‌شناسی و تکنولوژی ساخت‌است. او همچنین معتقد است این آثار، «گواهان خاموش تاریخ هستند که باید با دقت شناسایی شوند.»

امیر کشمیری در مجموعه کتاب‌های «میراث زرین قرن نوزدهم» با تمرکز بر جزئیات فنی و ارائه تصاویر دست‌اول، تلاش دارد استانداردهای جدید برای شناخت و معامله در بازار اشیای قدیمی ایران ایجاد کند و از تکیه بر حس و گمان در معاملات هنری جلوگیری کند.

| نشست |

چه کسی تاریخ هنر معاصر را می‌نویسد؟

موزه هنرهای معاصر تهران سومین نشست از سلسله‌نشست‌های «پرسش‌های اکنون» را روز دوشنبه ۲۶ مردادماه ۱۴۰۵، ساعت ۱۶، با حضور «بهزنگ صمدزادگان» و «سیامک دل‌زنده» برگزار می‌کند.

«پرسش‌های اکنون» مجموعه‌ای از گفت‌وگوهای تخصصی درباره هنر و زمانه ماست که با هدف طرح و بررسی پرسش‌های بنیادین هنرهای تجسمی شکل گرفته‌است، این مجموعه می‌کوشد به‌جای پرداختن به موضوعات مقطعی و مناسبت‌محور، مفاهیم و مسئله‌هایی را به گفت‌وگو بگذارد که در شکل‌گیری اندیشه، نهادها، روایت‌ها و تجربه هنر معاصر نقشی تعیین‌کننده دارند.

سومین نشست این مجموعه با عنوان «چه کسی تاریخ هنر معاصر را می‌نویسد؟» به مسئله تاریخ‌نگاری هنر معاصر و سازوکارهایی می‌پردازد که از خلال آن‌ها آثار، هنرمندان، جریان‌ها و رویدادهای هنری وارد روایت تاریخ می‌شوند یا از آن بیرون می‌مانند.

این نشست می‌کوشد این پرسش را مطرح کند که آیا تاریخ هنر معاصر صرفاً حاصل پژوهش، اسناد و تحلیل انتقادی است یا مجموعه‌ای از انتخاب‌ها، نهادها و مناسبات قدرت نیز در شکل‌گیری وتثبیت آن نقش دارند.